

## پیشگفتار نویسنده

هدف من از نگارش ویراست‌های متعدد این کتاب، خلق نوعی تلفیق نقادانه از حوزه تحلیل خط‌مشی و هم‌زمان عرضه مجموعه‌ای از دانش و مهارت به دانشجویان، مدرسان و کارگزاران بوده است که برای مسائل دنیای واقعی کاربرد داشته باشد. این کتاب کتابی با گستره‌ای محدود و متداول مانند سایر کتاب‌ها در زمینه تحلیل خط‌مشی نیست.

اکنون که از زمان انتشار اولین ویرایش کتاب *تحلیل خط‌مشی عمومی* بیش از سی و پنج سال پیش می‌گذرد، من بیش از پیش متقاعد شده‌ام که روش‌شناسی تحلیل خط‌مشی عمومی بر پایه‌های معرفت‌شناختی‌ای استوار است، یا باید استوار باشد، که متفاوت با مبانی رشته‌های شکل‌دهنده تحلیل خط‌مشی هستند. به همین دلیل، همچنان به تعریف تحلیل خط‌مشی به عنوان نوعی علم اجتماعی کاربردی (که از روش‌های متعدد پیش برای حل مسائل عملی استفاده می‌کند) ادامه می‌دهم.

این بدان معنی است که روش‌شناسی تحلیل خط‌مشی را نمی‌توان به نظریه‌ها و روال‌های تحلیلی اقتصاد خرد تقلیل داد، زیرا راه‌حل‌های مسائل عملی به چیزی بیش از تحلیل انتخاب عقلایی، مطلوبیت مورد انتظار و هزینه‌های فرصت نیاز دارند. با این حساب، روش تحلیل خط‌مشی را نمی‌توان به مطالعه سیاست<sup>1</sup> تقلیل داد، زیرا راه‌حل‌های عملی مستلزم چیزی بیش از تحلیل قدرت، قانون و اقتدارند، یا از این که چه کسی، چه زمانی و چگونه چیزی را به دست می‌آورد فراتر می‌روند. مواردی بسیار بیش از این‌ها در تحلیل خط‌مشی نقش دارند. در نهایت، از آنجا که هدف اصلی در تحلیل خط‌مشی بهبود خط‌مشی است، نمی‌توان روش‌شناسی تحلیل خط‌مشی را به یک ورزش تماشاگرپسند دانشگاهی که در آن دانش‌فی‌نفسه ارزشمند است، تبدیل کرد.

در ویراست ششم، سعی کرده‌ام ضمن برگزیدن سبک نوشتاری ساده، افته‌هایی را براساس فعالیت‌های تحلیلی در دنیای واقعی انتخاب کنم و نمایشگرهای تصویری در کتاب قرار دهم تا ایده‌های پیچیده را قابل درک کنند. اکنون مطالب مشتمل بر موضوعاتی بحث‌انگیز در قلمرو خط‌مشی امور خارجه و امنیت بین‌الملل و همین‌طور موضوعات

---

1. politics

بحث‌انگیز داخلی نظیر عدالت محیطی، اقتصاد شهری، حمل‌ونقل، بهداشت و ایمنی ترافیک هستند. به منظور پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در عرصه‌هایی، از پیش‌بینی خبره و تحلیل آماری گرفته تا نظریه‌های عدالت محیطی نمایشگرهای پیشرفته‌ای را برای نگاشت و ارزشیابی استدلال‌های توجیهی خط‌مشی گنجانده‌ام. در این کتاب با نگارش یادداشت‌های خط‌مشی، موضع‌نامه‌ها و دیگر محصولات نگارش تحلیلی ساختارمند، این امکان برای دانشجویان فراهم شده است تا به مهارت‌های بازارپسند در انتقال و ارائه گزارش تحلیل خط‌مشی دست یابند. در نهایت در قسمت پرسش‌های جدید برای مرور مطالب فصل و تمرینات عملی، بر یادگیری فعال به جای یادگیری منفعل تأکید شده است.

ابزارهای آموزشی ویژه و راهبردهای یادگیری مجدداً در کل کتاب به کار گرفته می‌شوند:

- سازمان‌دهندگان پیشرفته. در این کتاب برای آشنایی دانشجویان با خردمایه و کاربرد روش‌ها از سازمان‌دهندگان پیشرفته، به ویژه نمایش‌های بصری استفاده شده است. سازمان‌دهنده پیشرفته برای این کتاب به عنوان یک کل، مدل کارویژه‌ای تحلیل خط‌مشی است که در فصل اول ارائه شده است.

- اهداف یادگیری. در ابتدای هر فصل بیانیه اهداف یادگیری قرار دارد که دانشجویان باید بتوانند با خواندن فصل و تکمیل پرسش‌ها و تمرین‌های عملی به آن‌ها دست یابند. این اهداف در قالب کسب دانش و مهارت برای تمهید یا انجام کاری بیان می‌شوند (یعنی اهداف یادگیری ریشه در رفتارهایی دارند که مستلزم شناخت، تعریف، درک، تبیین، پیش‌بینی، ارزشیابی و به کارگیری هستند). با بیان اهداف یادگیری به این طریق، بر یادگیری فعال به جای یادگیری منفعل و بر کاربرد به جای به‌حافظه‌سپاری، تأکید می‌کنیم.

- پرسش‌هایی برای مرور مطالب فصل. دانش و مهارت باید تقویت شوند. به همین دلیل، پرسش‌هایی برای مرور مطالب فصل در پایان هر فصل ارائه می‌شوند. این پرسش‌ها بر دانش و مهارت‌های مرتبه بالاتر (برای مثال، تبیین یا کاربرست) و همچنین دانش و مهارت‌های مرتبه پایین‌تر (برای مثال، محاسبه یا برآورد) متمرکزند. این پرسش‌ها ممکن است مورد استفاده دانشجویان برای خودآموزی و نیز مورد استفاده مدرسانی قرار گیرند که در حال تدوین تکالیف مکتوب، امتحانات و تست‌ها (برای دانشجویان) هستند.

- تمرین‌های عملی. دانش و مهارت بدون فرصت‌های مکرر برای به کارگیری در حل مسائل دنیای واقعی به دست نمی‌آیند یا حفظ نمی‌شوند. به همین دلیل، هر فصل حاوی فرصت‌هایی برای نشان دادن کاربرست دانش و مهارت در مسائل عملی است. تلاش ما بر این

است که دانشجویان را از «تحلیل خط‌مشی روی تخته سیاه» (تحلیل صرفاً کتابی یا نظری) به درون دنیای واقعی مسئله درهم و برهم حرکت دهیم.

• افته‌ها. افته‌ها در تحلیل خط‌مشی، کانون تمرکز تمرین‌های عملی هستند. افته‌ها بر تعدادی از عرصه‌های موضوعات بحث‌انگیز از جمله خط‌مشی امور خارجه و مبارزه با تروریسم، خط‌مشی حمل‌ونقل، بهداشت و ایمنی شغلی و خط‌مشی امور شهری متمرکزند. برخی افته‌ها در درجه اول مفهومی هستند؛ بیشتر آن‌ها ماهیت روش‌شناختی دارند.

• اثرنامه‌ها. علاوه بر ادبیات ذکر شده در پاورقی‌ها، هر فصل دارای یک اثرنامه در مورد موضوع آن فصل است. من سعی کرده‌ام ادبیاتی را وارد کنم که نماینده بسیاری از مهم‌ترین تحولات کلاسیک و اخیر در تحلیل خط‌مشی عمومی است.

• رهنمودهایی برای انتقال (ارائه گزارش) کتبی و شفاهی. دانشجویان متبحر در روش‌ها تقریباً هنگام برگرداندن و انتقال نتایج تحلیل با دشواری‌هایی مواجه می‌شوند. به این دلیل، بر نوشتن بیانیه‌های موضوع بحث‌انگیز، یادداشت‌نامه، موضع‌نامه‌ها و طرح‌ریزی جلسات توجیهی شفاهی تأکید می‌کنیم. پیوست‌ها راهنمای گام‌به‌گام و چک‌لیست‌هایی ارائه می‌دهند.

• نگاهت‌های استدلال توجیهی. تحلیل در مورد ساخت و درک استدلال‌های توجیهی خط‌مشی است. در این ویراست از نگاهت‌های استدلال توجیهی<sup>۱</sup> تدوین شده به کمک برنامه رشنل<sup>۲</sup> استفاده شده است؛ برنامه‌ای نوآورانه برای نگاهت استدلال توجیهی که در آدرس [www.reasoninglab.com](http://www.reasoninglab.com) در دسترس است. در جای دیگر من از پروفیسور تیم ون گلدر<sup>۳</sup>، یکی از مبتکران برنامه، برای کمکش به تحلیل خط‌مشی تشکر کرده‌ام.

• وب‌سایت. یک وب‌سایت ویژه ([www.routledge.com/9781138743847](http://www.routledge.com/9781138743847)) با ارائه اسلایدهای مهم در هر فصل و مجموعه‌ای از داده‌های مربوط به افته‌های مورد اشاره در فصل‌ها، از کاربران این کتاب پشتیبانی می‌کند. بسیاری از اسلایدها می‌توانند به عنوان یادداشت‌های آموزشی عمل کنند.

• نرم‌افزار نگاهت استدلال توجیهی. کاربران این کتاب ممکن است مایل باشند با مراجعه به سایت [www.reasoninglab.com](http://www.reasoninglab.com) نرم‌افزار نگاهت استدلال توجیهی (رشنل<sup>۲</sup>)<sup>۴</sup> را خریداری کنند. تخفیف‌های آموزشی موجودند.

---

1. Tim van Gelder  
2. Rationale  
3. argument maps  
4. Rationale 2

## سیاسگزاری

من بدون تشویق مرحوم پل اف. لازارسفلد<sup>۱</sup> که سال‌ها پیش مرا به چالش کشید تا در مورد آنچه او «نهضت علوم خط‌مشی» نامید پژوهش کنم، نمی‌توانستم این پروژه چندرشته‌ای بلندپروازانه را شروع کنم. لازارسفلد (از معدود دانشمندان برتر اجتماعی کاربردی قرن بیستم) در مورد وسعت تخصص تحلیل خط‌مشی، آن طور که هارولد کسول، دانیل لرنر و دیگران طراحی کرده بودند تردید داشت. برای او اهداف تحلیل خط‌مشی بسیار جامع و عظیم بودند، انتقادی که چارلز لیندبلوم<sup>۲</sup> و تعدادی دیگر از متخصصان خط‌مشی نیز مطرح کردند. باید گفت که لازارسفلد خود را به عنوان یک جامعه‌شناس معرفی نکرد، بلکه او به عنوان یک دانشمند اجتماعی کاربردی با تعهدات چندرشته‌ای شناخته شده است. به این دلیل، وی استاد دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه (نه جامعه‌شناسی) در دانشگاه پیتسبورگ بود.

ده سال بعد، در نهایت یک تلاش ناموفقی انجام دادیم تا کرسی خالی لازارسفلد را با یک دانشمند برتر اجتماعی کاربردی دیگر، یعنی دونالد تی. کمپل، پر کنیم، که در قرن بیستم عملاً انقلابی در روش علوم اجتماعی کاربردی ایجاد کرده بود. کمپل مانند لازارسفلد، اصولاً خود را با رشته اصلی‌اش که روان‌شناسی اجتماعی بود، معرفی نکرد، بلکه خود را به عنوان یک دانشمند اجتماعی چندرشته‌ای کاربردی متخصص در ارزشیابی برنامه و خط‌مشی و همچنین فلسفه و جامعه‌شناسی علوم می‌دید. اگر او به ما می‌پیوست، کمپل استاد دانشگاه علوم اجتماعی (نه روان‌شناسی) در دانشگاه پیتسبورگ بود.

هدایتگری کمپل در مرحله حساسی از زندگی حرفه‌ای من حدود سی سال پیش، تأثیر زیادی بر نحوه تفکرم در مورد نقاط قوت و محدودیت‌های تحلیل خط‌مشی، ارزشیابی برنامه و علوم اجتماعی کاربردی داشت. نقش او در سراسر این کتاب دیده می‌شود.

تقریباً در همان زمان، از من خواسته شد به تیمی از اعضای هیئت علمی پیوندم که در حال تهیه مطالب درسی در مورد تحلیل خط‌مشی برای کارگزاران در دولت‌های محلی بودند.

---

1. Paul F. Lazarsfeld  
2. Charles Lindblom

این گروه تحت رهبری بلو وولدریج<sup>۱</sup> از بخش خدمات اطلاعات فنی ملی (که هم اکنون در دانشگاه مشترک المنافع ویرجینیاست) با متخصصان نظریه یادگیری و تدوین برنامه درسی، از جمله دوریس گاو<sup>۲</sup> و جیوتسنا واسودف<sup>۳</sup> (که وارد پروژه شده بودند)، به طرز عالمانه‌ای قرارداد بسته بود. من از آن‌ها این درس مهم آموزشی را آموختم که موضوعات انتزاعی مانند تحلیل خط‌مشی را می‌توان با تمرکز بر تعریف اهداف یادگیری مبتنی بر رفتار و آنچه اکنون دانشگاه‌ها تحت عنوان آموزش از راه دور تعلیم می‌دهند، به طور اثربخش تری آموزش داد. من از آن‌ها سیاسگزارم که باعث شده‌اند متوجه شوم بسیاری از ادبیاتی که در دوره‌ها می‌گنجانیم به راحتی یا با موفقیت به نتایج یادگیری گره نخورده‌اند، به این معنی که ما اغلب نمی‌توانیم بگوییم چرا می‌خواهیم دانشجویان مطالبی را که تعیین می‌کنیم بخوانند. این یک مکاشفه خجالت‌آور بود.

خوشبختانه با همکارانی دیدار و کار کردم که نظرم را درباره بسیاری از موضوعات تغییر دادند، از جمله نقش مهمی که فلسفه و جامعه‌شناسی علم در علوم اجتماعی کاربردی ایفا می‌کنند. این همکاران عبارت‌اند از ایان آی. میتروف<sup>۴</sup>، بورکارت هولزرنر<sup>۵</sup> و سابق من و اکنون استاد بهمن فزونی که مرا با سایر همکاران خود در مرکز تاریخ و فلسفه علوم در دانشگاه پیتسبورگ آشنا کرد. من درباره اهمیت عمل‌گرایانه تحلیل خط‌مشی و علوم اجتماعی کاربردی چیزهای زیادی را از جرالد زالتمن<sup>۶</sup>، رابرت اف. ریچ<sup>۷</sup>، توماس دی. کوک<sup>۸</sup> و کارول اچ. ویس<sup>۹</sup> فقید آموختم، همه آن‌ها متعهد به تتبع و تغییر سنجیده شرایطی بودند که ممکن است در آن‌ها از علوم اجتماعی برای حل مسائل عملی استفاده شود. بی. گای پیترز نیز موارد زیادی را در مورد لزوم پیوند دادن تحلیل خط‌مشی با حوزه حکمرانی به ویژه طرح خط‌مشی به من آموخت.

اعضای هیئت علمی و دانشجویان در دانشکده تحصیلات تکمیلی امور عمومی و بین‌المللی، دانشگاه پیتسبورگ، به من در بهبود تفکر، نوشتن و تدریس کمک کرده‌اند. در سی و پنج سال گذشته، از این کتاب در برنامه‌های آموزش کاربردی، اعطای گواهی و مدرک در دانشگاه‌ها، اندیشه‌ها و دولت‌های این کشور و دیگر دولت‌ها استفاده

- 
1. Blue Wooldridge
  2. Doris Gow
  3. Jyotsna Vasudev
  4. Ian I. Mitroff
  5. Burkart Holzner
  6. Gerald Zaltman
  7. Robert F. Rich
  8. Thomas D. Cook
  9. Carol H. Weiss

شده است. ترجمه این کتاب به زبان‌های عربی، چینی، اندونزیایی، کره‌ای، مقدونی، رومانیایی، روسی، اوکراینی و اسپانیایی کامل شده یا در حال انجام است. این کتاب در برنامه‌ها و پروژه‌های آموزش کاربردی در کشورهای اتحادیه اروپا، اروپای جنوب شرقی، خاورمیانه، افریقای شمالی و امریکای لاتین مورد استفاده قرار گرفته است. بازنگری‌های انجام‌شده در این ویراست منعکس‌کننده برخی از مواردی هستند که من از شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این برنامه‌ها آموخته‌ام.

همچنین از دانشجویان و اعضای هیئت علمی مرکز تحصیلات تکمیلی خط‌مشی عمومی و مدیریت در اسکوپیه در مقدونیه (مؤسسه‌ای ابتکاری اما در حال حاضر غیرفعال با بهترین دانشجویانی که تاکنون تدریس کرده‌ام)، سپاس گزارم. همچنین می‌خواهم از داوران و ارزیابان این ویراست و ویراست‌های قبلی تشکر کنم. علاوه بر داوران ناشناس، افرادی نظیر دیوید نایس از دانشگاه ایالتی واشنگتن، دیوید هیوستون<sup>۱</sup> از دانشگاه تنسی در ناکسویل، لوئیز کامفورت<sup>۲</sup> از دانشگاه پیتسبورگ نیز تشکر می‌کنم. شیلا کلی<sup>۳</sup>، لین رانگ - کائو<sup>۴</sup>، سوجاتا رامن<sup>۵</sup>، اریک سیویگنی<sup>۶</sup>، کیت فرید<sup>۷</sup>، بوجانا آسوا-اندوناوا<sup>۸</sup>، ارین مک‌گرث<sup>۹</sup>، آلا گولوینا خادکا<sup>۱۰</sup> و جسیکا ریز<sup>۱۱</sup> بوده‌اند که به من در تهیه مواد لازم برای این ویراست و ویراست‌های قبلی کمک کرده‌اند. همچنین از کمک در ویرایش بخش خدمات نرم‌افزاری اینتگرا در پوندیجری هند و ویراستاران در انتشارات پیرسون قدردانی می‌کنم. به ویژه به خاطر ویراست ششم از میشا کید، ایوت ام. چین، سوفی واتسون و ناشر در روتلج، لورا دی. استرنز، سپاسگزارم.

ویلیام ان. دان

دانشکده تحصیلات تکمیلی امور عمومی و بین‌المللی  
دانشگاه پیتسبورگ

- 
1. David Houston
  2. Louis Comfort
  3. Sheila Kelly
  4. Lien-Rung-Kao
  5. Sujatha Raman
  6. Eric Sevigny
  7. Kate Freed
  8. Bojana Aceva-Andonova
  9. Erin McGrath
  10. Alla Golovina Khadka
  11. Jessica Reyes

## پیشگفتار مترجم

رشته مطالعات خط‌مشی عمومی<sup>۱</sup> متشکل از سه حوزه مطالعاتی اصلی است: فرایند خط‌مشی عمومی<sup>۲</sup>، تحلیل خط‌مشی عمومی<sup>۳</sup> و ارزشیابی خط‌مشی عمومی<sup>۴</sup>. هر کدام از این سه حوزه به ترتیب دارای یک پرسش اصلی هستند: «خط‌مشی‌های عمومی چگونه شکل می‌گیرند (ظهور و بروز می‌کنند)؟»، «برای برخورد با یک مسئله عمومی دولت چه کاری باید انجام دهد؟» و «ما به عنوان دولت چه کرده‌ایم?».

کتاب حاضر به تحلیل خط‌مشی عمومی می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، این خزانه دانشی به خبرگان خود این امکان را می‌دهد که اگر به عنوان خط‌مشی‌گذاران، مشاوران خط‌مشی‌گذاران بخش دولتی یا وزارتخانه‌ای از آن‌ها پرسند برای رفع مسئله‌ای خاص (برای مثال کاهش مرگ‌ومیر جاده‌ای) چه باید کرد بتوانند با توسل به دستگاهی، رهنمودی عملی به دولتمردان ارائه دهند. بر این اساس دان در کتاب خود با طراحی دستگاهی (یا نوعی روش‌شناسی) تلاش دارد به سیاقی عملی و زبانی ساده، پدیده تحلیل خط‌مشی را صیغه عملیاتی بیخشد. او به طور کلی در پرتو این دستگاه مدعی است برای انجام تحلیل خط‌مشی عمومی باید مراحل ذیل را طی کرد:

۱. تحلیل‌گر خط‌مشی ابتدا باید مسئله خط‌مشی<sup>۵</sup> را مشخص کند. گرچه می‌پذیرد که مسائل خط‌مشی دارای ساخت اجتماعی هستند، با پیشنهاد انواعی از روش‌ها تلاش می‌کند تا خواننده بتواند به مسائل نیازمند به خط‌مشی عمومی، نوعی ساختاردهی مسئله بدهد؛ به عبارت دیگر، برای شناخت مسئله خط‌مشی و تنسيق آن به عنوان مسئله‌ای که مورد توجه و اقدام دولت قرار می‌گیرد، از روش ساختاردهی مسئله<sup>۶</sup> استفاده می‌کند. در این روش او ابزارهای

- 
1. public policy studies
  2. public policy process
  3. public policy analysis
  4. public policy evaluation
  5. policy problem
  6. problem structuring

مختلفی را معرفی می‌کند، از جمله نمودارهای تأثیر‌گذاری<sup>۱</sup>، درخت‌های تصمیم<sup>۲</sup> و نگاشت استدلال توجیهی خط‌مشی<sup>۳</sup>.

۲. پس از صورت‌بندی مطمئن مسئله، تحلیل‌گر خط‌مشی باید مشخص کند که انتظار می‌رود خط‌مشی‌های حل مسئله مورد نظر به چه دستاوردهایی نائل شوند؛ به عبارت دیگر، دستاوردهای مورد انتظار از خط‌مشی<sup>۴</sup> را مشخص سازد. برای تعیین این دستاوردها تحلیل‌گر باید دست به پیش‌بینی<sup>۵</sup> بزند. بر این اساس، دان انواعی از فنون پیش‌بینی را به تحلیل‌گر معرفی می‌کند. کارت امتیازات<sup>۶</sup> که بر نظرات خبرگان و کارشناسان استوار است، نمونه‌ی پرکاربردی در حوزه‌ی پیش‌بینی دستاوردهای مورد انتظار از خط‌مشی عمومی است که دان در کنار فنون دیگر مطرح می‌کند.

۳. در گام سوم باید مشخص شود که برای تحقق دستاوردهای مورد انتظار به منظور حل مسئله خط‌مشی یا برطرف کردن آن، چه مسیرهایی مرجح‌اند؛ به عبارت دیگر، تحلیل‌گر باید خط‌مشی‌های اولویت‌دار یا مرجح<sup>۷</sup> را تعیین کند. در این تحلیل باید به روش‌های تجویز خط‌مشی<sup>۸</sup> متوسل شود که برای تحقق چنین هدفی انواعی از ابزارها از جمله نمودارهای تأثیر‌گذاری و درخت‌های تصمیم و به طور خاص فن تحلیل منفعت - هزینه<sup>۹</sup> را معرفی می‌کنند.

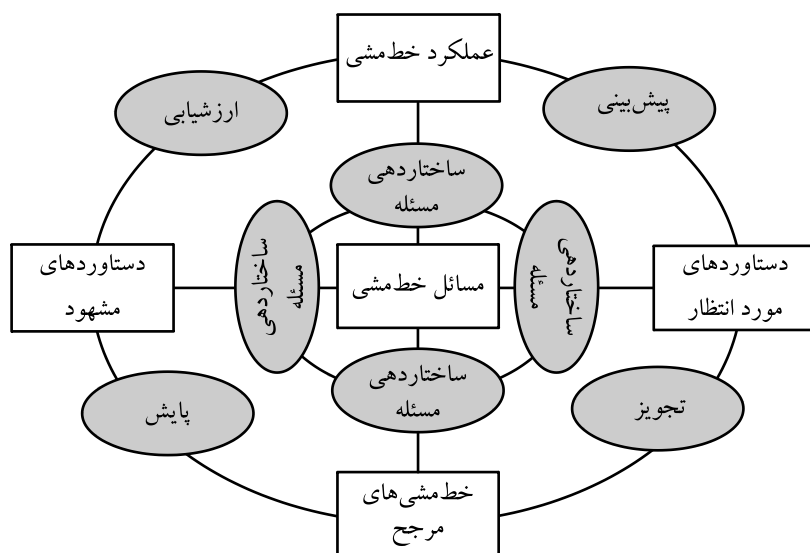
۴. در گام چهارم تحلیل‌گر باید مشخص کند چنین خط‌مشی‌های منتخب مرجحی چه دستاوردهای مشهودی بر جای خواهند گذاشت. برای مثال، اگر دستاورد مورد انتظار از یک خط‌مشی ارتقای کیفیت زندگی شهروندان باشد، خط‌مشی‌های تحقق‌بخش این دستاوردهای مورد انتظار چه دستاوردهای عینی‌ای خلق می‌کنند که تجلی دستاوردهای مورد انتظار خواهند بود (برای مثال، افزایش درآمد سرانه خانوارها که به صورت عدد و رقم مشخصی تعیین می‌شود می‌تواند تجلی بخشی از آن دستاوردهای مورد انتظار باشد). برای تعیین دستاوردهای مشهود خط‌مشی‌های مرجح، تحلیل‌گر باید جنس پایش<sup>۱۰</sup> خط‌مشی را مشخص کند؛ به عبارت دیگر، اگر تحلیل‌گر رویکرد خود به پایش خط‌مشی‌های منتخب مرجح را مشخص کند،

- 
1. influence diagrams
  2. decision trees
  3. argument mapping
  4. expected policy outcomes
  5. forecasting
  6. scorecards
  7. preferred policies
  8. policy prescription
  9. benefit-cost analysis
  10. monitoring



لاجرم دستاوردهای مشهود باید مشخص شوند. کارت امتیاز ساده‌ترین روش پایش خط‌مشی‌هاست، گرچه دان روش‌های متعددی را معرفی می‌کند.

۵. در گام پنجم تحلیل‌گر باید نظام اندازه‌گیری عملکرد خط‌مشی<sup>۱</sup> را مشخص کند. چگونه می‌توان عملکرد خط‌مشی مربوط به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را، که بر اساس (برای مثال) افزایش درآمد سرانه خانوارها پایش شده است، اندازه‌گیری کرد؟ آیا می‌توان نمرات شادی ملی، کاهش تعداد خودکشی‌ها و مواردی از این قبیل را به عنوان نشانگرهای عملکرد آن خط‌مشی تعیین کرد؟ برای تحقق چنین رسالتی تحلیل‌گر می‌تواند از روش‌های ارزشیابی خط‌مشی استفاده کند. هدف ارزشیابی رصد سهم‌یاری دستاوردهای مشهود در عملکرد خط‌مشی است. گرچه برای این کار ابزارهای مختلفی در اختیار تحلیل‌گر قرار دارند، فن صفحه گسترده<sup>۲</sup> ساده‌ترین ابزار مورد استفاده در این مرحله است. نظر به اینکه تحلیل‌گر در مراحل پنج‌گانه تحلیل خط‌مشی از رشته‌های علمی مختلفی بهره می‌گیرد، دان دستگاه یا روش‌شناسی خود را تحلیل خط‌مشی چندرشته‌ای (یا تحلیل خط‌مشی در پرتو رشته‌های مختلف) می‌نامد (شکل ۱ را ببینید).



شکل ۱ تحلیل خط‌مشی چندرشته‌ای

1. policy performance  
2. spreadsheet

این دستگاه عملی و عینی یکپارچه دان به خط‌مشی گذاران کشور هشدار می‌دهد که خط‌مشی نویسی، تحریر چند جمله و ابلاغ آن به عنوان خط‌مشی ملی نیست. اگر مقامات عالی کشور از مشاوران خود درخواست خط‌مشی‌های پیشنهادی می‌دهند، مشاوران باید این دستگاه را به کار گیرند و همه پنج رکن اصلی تحلیل خط‌مشی را برای مقام عالی مشخص سازند تا مقام عالی کشوری با اطمینان بیشتری بودجه‌های عمومی را صرف چنین خط‌مشی‌های پیشنهادی کند. بر این اساس، مطالعه و فهم این کتاب برای دست‌اندرکاران خط‌مشی‌گذاری عمومی و همین‌طور دانشجویان، پژوهشگران و دانشمندان حوزه مطالعات خط‌مشی عمومی می‌تواند مفید باشد. این کتاب هشدار می‌دهد که مراکز و افرادی که مدام از واژه «سیاست‌گذاری یا سیاست‌گذاری» (در بیان کتاب حاضر خط‌مشی‌گذاری) سخن می‌گویند؛ واژه‌ای که خیلی‌ها را به خود جذب کرده و تصور آن است که خط‌مشی‌گذاری یعنی نوشتن چند بند و ابلاغ آن به زیردستان. این کتاب به خواننده می‌گوید اگر کسی از طریق ستاد انتخاباتی بر مسند کرسی‌های مقننه، مجریه یا قضاییه کشوری تکیه می‌زند لزوماً خط‌مشی‌گذار نیست؛ خط‌مشی‌گذاری علمی است متفاوت با علم سیاست، اما مرتبط با آن که باید در کشور مورد توجه قرار گیرد. امروزه عصر «جنگ خط‌مشی‌ها» است و نه جنگ نظامی. کشوری سرمایه‌دار است که از سرمایه غنی «خط‌مشی‌های عمومی وثیق و تمدن ساز» برخوردار است، نه بمب اتم یا موشک. هیچ‌کدام از این‌ها در زمان حاضر به کار نمی‌آیند حتی برای ابرقدرت‌ها. خط‌مشی‌ها قدرت زاینده‌گی ثروت، عزت و شادابی ملی را دارند. ملتی بدبخت خواهد بود که خط‌مشی‌های ملی آن از جلسات ستادهای انتخاباتی سر بر آورد، نه از بطن دانش علمی پژوهشگران و اندیشمندان خط‌مشی. بر این اساس، این کتاب نشان می‌دهد که برای رسیدن به این تصمیم که «سرعت اتومبیل‌ها در جاده‌ها ۵۵ مایل یا ۶۵ مایل» چه مطالعاتی باید انجام شود. گفتن یا تحریر کردن یک بند به عنوان خط‌مشی ملی خیلی ساده است، ولی بدون این که «مشخص شود این بند چه مسئله‌ای را حل می‌کند» (مسئله خط‌مشی)، «پرداختن به این مسئله چه دستاوردی دارد» (دستاوردهای مورد انتظار)، «چگونه باید به این مسئله پرداخته شود» (بدیل‌های خط‌مشی)، «خط‌مشی اجرایی چه دستاورد مشهودی در پی خواهد داشت» (دستاورد مشهود خط‌مشی) و «چگونه باید عملکرد این خط‌مشی را در پرداختن به آن مسئله اندازه‌گیری کرد» (عملکرد خط‌مشی)، خطایی رخ خواهد داد که کشور را به محاق رخوت و بدبختی خواهد برد؛ ملتی را ناامید و فرسوده خواهد کرد؛ و تمدنی را نابود خواهد کرد. زنده‌ها که چنین خط‌مشی‌هایی

آخرت کسانی را که معتقد به روز حساب و کتاب هستند، بر باد خواهد داد. بی‌تردید روانی کتاب محصول دقت نظر خانم دکتر هانیه احمدی و همین‌طور آقای مهرداد حیدری است. خانم دکتر احمدی برخی از خطاهای ترجمه‌ای و بی‌دقتی‌های ما را اصلاح کرده‌اند. وسواس علمی و ویرایشی آقای حیدری نیز در ایجاد اطمینان بیشتر به کتاب بسیار مؤثر بوده است. اما مترجم ادعای کاملیت در ترجمه را ندارد و بی‌تردید بنا به چندرشته‌ای بودن تحلیل خط‌مشی ممکن است عباراتی یا کلمه‌ای یا حتی پاراگرافی باب طبع خواننده محترمی نباشد. هدف من از ترجمه این کتاب کسب امتیاز دانشگاهی نبوده است، بلکه چون این کتاب را تدریس و مطالعه کرده و احساس کرده‌ام شاید بتواند برای دستگاه علمی و اجرایی حوزه خط‌مشی گذاری عمومی مفید باشد آن را ترجمه کردم. از طرف دیگر، معتقدم در عصری که نرخ مطالعه در جامعه ما حتی در میان همکاران دانشگاهی نیز پایین است ترجمه کتابی پانصد صفحه‌ای به زبان اصلی می‌تواند دانش معلم درس تحلیل خط‌مشی را نسبت به همکاران دیگری که چنین نکرده‌اند با شدت فزاینده‌ای افزایش دهد. ترجمه کتابی تخصصی در حوزه مطالعاتی معینی نسبت به تحریر مقاله‌ای که صرفاً به یمن فنون آماری منتشر می‌شود ممکن است اثر سازنده‌تری داشته باشد البته اگر هدف مترجم صرفاً ترجمه نباشد، بلکه افزایش دانش تخصصی خود را دنبال کند؛ هرچند دانشگاه‌ها به آثار ترجمه‌ای امتیازی تخصیص نمی‌دهند و همکارانی را که کارشان تصنیف و تألیف است، خشنود نمی‌سازند. در عین حال، ترجمه کتابی پانصد صفحه‌ای که در آن از علم سیاست، آمار، ریاضی، جامعه‌شناسی، تاریخ باستان، تاریخ معاصر، مدیریت، اداره امور عمومی، زبان‌شناسی، منطق، فلسفه، شیمی، فیزیک، متالورژی، فنی و مهندسی و غیره سخن به میان آمده است، با همه ویرایش‌ها و دقت نظرها، عاری از خطا نخواهد بود. متن انگلیسی آن در دسترس همگان قرار دارد<sup>۱</sup> و می‌توان با مراجعه به آن خطای مترجم را اصلاح کرد.

در سراسر متن واژه دولت معادل government و واژه حکومت معادل state به کار برده شده است. در میان اهالی علم سیاست این دو جابه‌جا استفاده می‌شوند (دولت معادل state و حکومت معادل government)، اما از آنجا که در جامعه عرفی و علمی مدیریت دولتی حالت نخست متداول است، یعنی حتی تلویزیون کشور هم عبارت Rouhani government را حکومت روحانی ترجمه نمی‌کند، بلکه آن را دولت روحانی می‌خواند، معادل انگلیسی «حکومت ترامپ» را Trump government قرار نمی‌دهد و در برخی از واژه‌نامه‌های تخصصی

1. <http://gen.lib.rus.ec>

هم دولت را معادل government قرار داده‌اند، مترجم نیز از این حالت تبعیت کرده است. مترجم برای شفاف‌سازی دو حوزه مهم علمی یعنی علم سیاست<sup>۱</sup> و علم خط‌مشی<sup>۲</sup> در سراسر کتاب خط‌مشی را معادل policy و سیاست را معادل politics قرار داده است، تا بتواند برای خواننده عبارت politics of public policy (سیاست خط‌مشی، یعنی چه کسی چه چیزی، کی و چگونه از قبل خط‌مشی‌ها نصیبت می‌شود) را معنا کند. در عین حال، مترجم دیکتاتوری در القای واژه را نمی‌پسندد. گاهی ممکن است تصور شود مراد نویسنده از به کار بردن چند واژه یکی بوده باشد، ولی مترجم برای متمایزسازی آن‌ها از معادل‌های مختلف استفاده کرده است. برای مثال، سه واژه projection، prediction و forecasting ممکن است واژه «پیش‌بینی» را به ذهن متبادر کنند ولی نویسنده مرزی بین آن‌ها قرار داده است؛ بر این اساس، نویسنده «پیش‌بینی» را معادلی برای forecasting و «پیش‌گویی» را معادلی برای prediction و «پیش‌افکنی» را معادلی برای projection قرار داده است.

بنابراین توجه به نکات ذیل می‌تواند فهم مطالب کتاب را بهتر کند:

مأموریت حوزه مطالعاتی ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی است.

۱. در سراسر متن، preferred مرجح یا ترجیحی ترجمه شده است، ولی گاهی واژه «در

اولویت» ترجیح داده می‌شود.

۲. معادل فارسی عبارتِ policy-relevant knowledge عبارت است از «دانش مناسب

برای خط‌مشی». گرچه می‌توان عبارت «دانش مرتبط با خط‌مشی» را نیز قرار داد، ولی معنای این عبارت اشاره به انواع دانشی دارد که تحلیل خط‌مشی در حین انجام برای خط‌مشی عمومی تولید می‌کند که عبارت‌اند از: ۱) دانش در مورد مسائل خط‌مشی، ۲) دانش در مورد خط‌مشی‌های ترجیحی (در اولویت)، ۳) دانش در مورد دستاوردهای مورد انتظار خط‌مشی، ۴) دانش در مورد دستاوردهای مشهود خط‌مشی و ۵) دانش در مورد عملکرد خط‌مشی.

۳. برای متمایز ساختن policy inquiry از policy research (خط‌مشی پژوهی) از

اصطلاح پوشش (کندوکاو) در مورد خط‌مشی یا پوشش خط‌مشی استفاده شده است. به طور کلی، پوشش و پژوهش هر دو در پی کسب اطلاعات برای تولید دانش هستند، ولی در حالی که پوشش نوعی عمل پرسشگری برای به دست آوردن اطلاعات است، پژوهش نوعی تفحص یا مطالعه نظام‌مند در مورد مواد و مآخذ اطلاعاتی برای تولید امور واقع<sup>۳</sup> و رسیدن به

1. political science  
2. policy science  
3. facts

نتیجه گیری‌های جدید است؛ به عبارت دیگر، پویای نوعی جستجوگری گسترده است، ولی پژوهش کانون تمرکز محدود گستره معینی دارد. اولی فرایند پرسش و پاسخ است و دومی عنصری از اولی است که به فرایند یافتن پاسخ پرسش‌ها می‌پردازد. اولی در مطالعات کیفی و دومی در مطالعات کمی بیشتر باب است.

۴. برای آسان‌سازی درک اصطلاح *reconstructed logic* معادل منطق تئوریزه شده برگزیده شده است. این اصطلاح مدعی است فرایند تحلیل خط‌مشی توسط نظریه پردازان بازسازی شده است و ممکن است با آنچه در عمل (منطق کاربردی)<sup>۱</sup> رخ می‌دهد، مطابقت کامل نداشته باشد. برخی‌ها از معادل منطق بازآفریده شده یا منطق مستخرجه نیز استفاده کرده‌اند. در صورتی که با این معادل‌ها موافق نیستید معادل خود را قرار دهید و کتاب را بخوانید.

۵. منظور از دانش منفی<sup>۲</sup> عبارت است از دانستن آنچه نباید انجام داد<sup>۳</sup>، یا به عبارت دیگر، دانش نسبت به خطاها و راه‌حل‌های نابهینه‌ای که باید از آن‌ها احتراز کرد. این نوع دانش باعث تقویت کنش‌های اثربخش و اجتناب از خطاهای ارتكابی می‌شود. در مقابل، دانش مثبت عبارت است از دانستن آنچه باید انجام شود؛ دانش نسبت به راه‌حل‌ها، راهبردها و خط‌مشی‌هایی که مفید هستند. در حالی که اولی ممنوعیات را نشان می‌دهد، دومی آنچه را رواست نشان می‌دهد. برای مطالعه بیشتر اثر ذیل را ببینید:

Martin Gartmeier, Johannes Bauer, Hans Gruber and Helmut Heid. "Negative Knowledge: Understanding Professional Learning and Expertise. *Research Report*, No. 30, Regensburg: University of Regensburg, Dept. Prof. Hans Gruber, 2008.

۶. برای متمایز ساختن واژه *argument* از واژه *reasoning*، که اولی زیرمجموعه دیگری است، از اصطلاح استدلال توجیهی استفاده شده است، گرچه می‌توان از معادل‌های دیگری نظیر برهان یا احتجاج نیز استفاده کرد. با این حال، معادل استدلال‌ورزی برای *argumentation* قرار داده شده، که گاهی استدلال‌آوری نیز گفته شده است. در اینجا برای احتراز از ثقیل شدن کلمه از اصطلاح استدلال‌ورزی توجیهی استفاده نشده است. بنابراین در سراسر متن واژه استدلال اشعار به *reasoning* دارد. با این حال، می‌توانید معادل *reasoning* را استدلال و معادل *argument* را احتجاج (یا برهان) و معادل *argumentation* را برهان‌آوری قرار دهید یا

---

1. logic-in-use  
2. negative knowledge  
3. to know what not to do

معادل‌های انتخابی خود را به کار ببرید و براساس آن کتاب را مطالعه فرمایید.  
 ۷. انگلیسی میانه<sup>۱</sup> شکلی از زبان انگلیسی بود که بعد از تسخیر انگلستان توسط نورمان‌ها (در سال ۱۰۶۶ میلادی) تا اواخر قرن نوزدهم به آن زبان صحبت می‌شد.  
 ۸. سازگاری متقابل حامیان<sup>۲</sup> بخشی از نظریه تدریجی گرای لی‌ندبلوم بود که در سال ۱۹۶۵ مطرح شد؛ او در مقاله بعدی خود این عنوان را به «سیاست تدریجی»<sup>۳</sup> تغییر داد تا بین دو عرصه مورد بررسی، یعنی تحلیل تدریجی<sup>۴</sup> و سیاست تدریجی<sup>۵</sup> تمایز ایجاد کند. این ایده نوعی روش برای فرایند سیاسی دولت عمومی<sup>۶</sup> است. به طور خلاصه، این نظریه مدعی است که افراد می‌توانند: (۱) بدون این که کسی آن‌ها را هماهنگ کند، (۲) بدون داشتن یک هدف مشترک غالب و (۳) بدون وجود قواعدی که به طور کامل روابط آن‌ها را با یکدیگر تجویز کند، هماهنگ شوند. بر این اساس، ساختارهای تصمیم‌گیری بدون یک مرکز هماهنگ‌کننده مرکزی نسبت به ساختارهای تصمیم‌گیری مبتنی بر یک مرکز هماهنگی به نام سازگاری متقابل بازیگران تصمیم‌گیری، کارآمدتر است. هماهنگی از طریق سازگاری متقابل می‌تواند بدون مدیریت مرکزی، بدون یک هدف یا منفعت مشترک غالب و بدون قواعدی که به طور کامل روابط تصمیم‌گیرندگان را با یکدیگر تجویز می‌کنند محقق شود. برای آگاهی کامل از این نظریه منبع ذیل را ببینید:

Charles E. Lindblom. *The Intelligence of Democracy*. New York: Free Press, 1965.

۹. برای احتراز از مطول شدن معادل فارسی mapping (ترسیم نقشه) از واژه نگاشت

استفاده شده است.

۱۰. برای تولید دانش چهار منطق استدلالی وجود دارد: استقرایی<sup>۷</sup>، قیاسی<sup>۸</sup>، استنباطی<sup>۹</sup>

و پس‌کاوی یا بهترین تبیین<sup>۱۰</sup> گرچه دو مورد آخر را گاهی پیرس معادل یکدیگر به کار برده و هردو را بهترین تبیین یاد کرده است و بعضاً گفته می‌شود اولی یکی از جنبه‌های دومی است. برای آشنایی کامل با این چهار منطق، کتاب ذیل را مطالعه کنید:

1. middle english
2. partisan mutual adjustment
3. incremental politics
4. incremental analysis
5. incremental politics
6. public government
7. inductive
8. deductive
9. abductive
10. retroductive

بلیکی، نورمن، *طراحی پژوهش اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی،

۱۳۹۵.

۱۱. برای متمایز ساختن سه واژه prediction، forecasting، projection و prediction به ترتیب «پیش‌گویی»، «پیش‌بینی» و «پیش‌افکنی» استفاده شده است. گرچه در بخش عمده ترجمه هر سه را معادل پیش‌بینی قرار داده‌ام، ولی این سه را باید در زمان و مکان محدود کرد: چه زمانی و کجا. بر این اساس، وقتی پیش‌پیش دربارۀ آنچه احتمالاً در آینده رخ می‌دهد، خبر می‌دهیم یا پیش‌پیش آن را می‌گوییم گفته می‌شود «پیش‌گویی»<sup>۱</sup> کرده‌ایم که بیشتر بر اساس اطلاعات نرم یا نظری استوار است. اما وقتی ارزش یا مقدار عددی مرتبط با یک رویداد در آینده را محاسبه می‌کنیم در واقع «پیش‌افکنی»<sup>۲</sup> کرده‌ایم. اما وقتی با اتکا به رخدادها، داده‌های گذشته را برای تولید یا تنظیم داده‌های کنونی صورت‌دهی می‌کنیم، در واقع برای آینده «پیش‌بینی»<sup>۳</sup> کرده‌ایم. به طور کلی، می‌توان وقوع یک جنگ یا زلزله را پیش‌گویی کرد، ارزش تولید ناخالص ملی یا بیکاری را پیش‌افکنی کرد یا شرایط جوی و از حیث علمی تر روندهای اقتصادی را پیش‌بینی کرد. برای مطالعه بیشتر به کتاب ذیل مراجعه کنید:

Saaty, Thomas L., and Luis G. Vargas. *Prediction, Projection and Forecasting*. New York: Springer Netherlands, 1991.

۱۲. در ادبیات متداول اقتصاد، آمار و بازرگانی، معادل فارسی «برون‌یابی» برای اصطلاح extrapolative forecasting بسیار جا افتاده که به معنای «پیش‌بینی بر مبنای روند گذشته» است. بنابراین مترجم نیز واژه متداول «برون‌یابی» را اختیار کرده است، گرچه شاید در نگاه اول برای افراد قدری رسا نباشد؛ لذا می‌توانید معادل خاص خود را در سراسر متن به جای برون‌یابی قرار دهید.

۱۳. دیوژن یا دیوجانس<sup>۴</sup> اشاره به فیلسوف یونانی دارد که زندگی بسیار ساده‌ای داشت و به مقامات دنیا بی‌تفاوت بود، طوری که وقتی اسکندر مقدونی به دیدار دیوژن رفت و به او گفت که آیا به چیزی نیاز دارید، او در پاسخ گفت: «بلی خواهش می‌کنم از جلوی آفتاب من کنار بروید». اسکندر به همراهانش که از خشم می‌خواستند دیوژن را مورد آزار قرار دهند گفت: اگر اسکندر نبودم دوست داشتم دیوژن باشم».

---

1. prediction  
2. projection  
3. Forecasting  
4. diogenes

۱۴. اصطلاح تعدی<sup>۱</sup> یا تراگذاری، ترایابی یا تعدی اشاره به نوعی رابطه غیرمستقیم بین عناصر مجموعه در مباحث ریاضی دارد. به عبارت دیگر در فرایند انتخاب بین سه بدیل و بیشتر نوعی نظم انتخابی وجود دارد. برای مثال اگر «الف» بهتر از «ب» و «ب» بهتر از «ج» است، آنگاه «الف» بر «ج» ترجیح داده می‌شود. این حالت را در ریاضیات تعدی می‌گویند.

۱۵. دو واژه در سراسر کتاب به ترتیب اصول اخلاقی فردی و اصول اخلاقی در جامعه (اجتماعی) قرار داده شده‌اند؛ زیرا:

According to this understanding, “ethics” leans towards decisions based upon individual character, and the more subjective understanding of right and wrong by individuals – whereas “morals” emphasises the widely-shared communal or societal norms about right and wrong.

در پایان امید می‌رود این کتاب راه ناهموار تحلیل خط‌مشی را برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه در کشور کمی هموار ساخته مجریان و سیاست‌مداران را نیز با حوزه‌ای آشنا سازد که توانسته است در خط‌مشی‌گذاری کشورهایی با نظام‌های خط‌مشی پیشرفته نقشی اساسی ایفا کند. این نقش بی‌تردید به دلیل مهم شمردن پژوهش و خط‌مشی‌گذاری مسبوق به تحلیل‌های مختلفی است که به غنای خط‌مشی آن کشورها منجر شده است.

حسن دانایی فرد

---

1. transitive